

## اهالی این خانه دزد نیستند



پس از یک‌ماه پیگیری برای تهیه گزارشی از سریال «دزد و پلیس» به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی محسن چگینی، بالاخره موفق شدم به لوکیشن این برنامه بروم و وقتی برای تهیه این گزارش برای چندمین بار با هادی داداشی تماس گرفتم، برای چندمین بار گفت هنوز سر نام این سریال اختلاف نظر است و امکان دارد تغییر نام بدهد.

پشت‌صحنه سریال دزد و پلیس

اهالی این خانه دزد نیستند

جام جم آنلاین: پس از یک‌ماه پیگیری برای تهیه گزارشی از سریال «دزد و پلیس» به کارگردانی سعید آقاخانی و تهیه‌کنندگی محسن چگینی، بالاخره موفق شدم به لوکیشن این برنامه بروم و وقتی برای تهیه این گزارش برای چندمین بار با هادی داداشی تماس گرفتم، برای چندمین بار گفت هنوز سر نام این سریال اختلاف نظر است و امکان دارد تغییر نام بدهد.

پس به زعم تهیه‌کننده و دیگران، ترجیح بر این است که قبل از درج‌هرخبری، تکلیف نام این سریال مشخص شود.

اما با گذشت این دوران و تماس‌ها نام تغییر نکرد و دزد و پلیس همان اسمی است که از ابتدا نیز مهراب قاسم‌خانی روی فیلمنامه‌اش گذاشت و همچنان باور دارد بهترین نام برای این سریال است.

لوکیشن اصلی سریال در دارآباد است؛ جایی از این محله که بسیار غریب و جالب نشان می‌دهد. نزدیک خانه که شدم پسر بچه‌ای گفت اینجا فیلمبرداری است؟ گفتم بله و پایم را در حیاطی گذاشتم که آشنا می‌نمود.

چند نفر از گروه فیلمبرداری روی تختی نشسته بودند و وقتی گفتم با رضا کریمی، مدیر تولید سریال دزد و پلیس هماهنگ کرده‌ام، راهنمایی‌ام کردند که به داخل خانه بروم.

اما حیاط به همان‌جا ختم نمی‌شد. بد نیست بدانید این‌خانه سه حیاط مجزا از هم داشت که یک حیاط آن واسط میان دو خانه مرتبط به هم بود. از آن خانه‌های قدیمی که در آن چند خانوار با هم زندگی می‌کنند، اما شکل خانه دایره‌ای نیست، بلکه در سطوح ناهماهنگی قرار دارد.

از حیاط اول با چند پله به حیاط بالایی می‌روم که تختی در انتها الیه خود دارد و بازیگران تمرین می‌کنند و گوشه حیاط، قفس کبوتران است.

از پایین خانه جوی پرآبی رد می‌شود و این حیاط متصل به حیاط دیگری است که با نرده از هم جدا شده و محسن چگینی و رضا کریمی آنجا بالای سر آشپزها نشسته‌اند و به کارشان نظارت می‌کنند.

\*\*\*

طبقه بالای خانه در حال فیلمبرداری سکانشی از سریال هستند و در طبقه پایین خانه، شقایق دهقان نشسته است و مجله‌ای را ورق می‌زند.

روبه‌رویش پشت میزی مهراب قاسم‌خانی نشسته و دیالوگ‌های بازیگران را می‌نویسد. به اتاق روبه‌روی دهقان که می‌روم، می‌گویم آنجا کسی نیست. برمی‌گردم و در کنار اتاق به آشپزخانه این طبقه سری می‌زنم. روی گاز غذایی در حال جوشیدن است.

شبهه آبگوشت است، اما بوی سرگنجشکی می‌دهد. این فقط نمایی گول‌زننده لوکیشن است. شاید نشود آن چیزی را که دیده‌ام تصویر کنم؛ داغون به معنای واقعی کلمه. هیچ چیز سر جای خودش نیست.

قالیچه‌ها وارونه‌اند. کمد فقط نام کمد دارد، اما شبهه دیوارهای خانه، رنگ و رویش را از دست داده است. عکسی از شقایق دهقان روی دیوار راهرو است. شبهه خانه‌های موقت و خمپاره خورده می‌ماند.

\*\*\*

کنار مهرباب قاسمخانی می‌نشینم و می‌گویم چقدر این لوکیشن به چیزی که در قصه نوشته‌اید، نزدیک است. می‌گوید: خیلی، و ادامه می‌دهد: دلم می‌خواست جایی شلوغ در محله‌ای قدیمی باشد و آن شکل معمول خانه‌های قمرخانمی را نداشته باشد، اما چند خانواده با هم در این خانه زندگی کنند.

قاسمخانی درباره داستان این سریال می‌گوید که دزد و پلیس ابتدا این‌طور بود که شخصیت‌های آن، همه دزد بودند اما موافقت نشد. حالا تعدادی دزدند و تعدادی نه. شخصیت اصلی این داستان که نقش آن را بهنام تشکر بازی می‌کند، ضربه‌ای به سرش خورده و حافظه‌اش را از دست داده است.

حالا در خانه‌ای چشم باز می‌کند که دزدی عادی است و در محله و منطقه همه کارشان این است، اما او دیگر آن آدم خلافکار سابق نیست و بسیار مودب و خوب شده است و ما این آدم خوب را درگیر اتفاقاتی از وضع پیشین‌اش کرده‌ایم.

پلیس نیز در همه‌جا حضور دارد و مشکل مقابل این دزدان است. همین منجر به طنزهای موقعیت در این داستان شده است.

مهرباب قاسمخانی می‌گوید: یک‌سال می‌شود درگیر این سریال شده‌ام. ایده آن، سال گذشته همین موقع به ذهنم رسید و نوشتن آن را از مهر و آبان شروع کرده‌ام. قرار بر این بود سریال 13 قسمتی و برای ایام عید باشد که نشد. قصه برای طولانی شدن خیلی جا داشت. کمی کند بودم، اما برای خودم هم بهتر بود، چون تا به حال کار دنباله‌دار نداشته بودم. تا امروز 26 قسمت شده است و کار را برای ماه مبارک رمضان نوشته و آماده کرده‌ایم، اما در این ماه هم پخش نشد بنابراین می‌شود به 30 قسمت هم رساند.

\*\*\*

مهرباب قاسمخانی که همیشه نامش با برادرش پیمان گره خورده است، می‌گوید: پیمان مشاور این پروژه است، اما شاید چیزی که من دارم و هیچ فیلمنامه‌نویس دیگری ندارد، برادری مانند اوست. پیمان خیلی خوب و مسلط است و باعث دلگرمی من است. همان اندازه که من درگیر کار هستم او هم درگیر کار است. حضور او، هم برای کار و هم برای من اتفاق خوبی است. خیلی‌ها می‌گویند چرا از زیر اسم پیمان بیرون نمی‌آیی، اما من لذت می‌برم و چنین حسی ندارم.

شقایق دهقان، همسر مهرباب قاسمخانی که روبه‌روی ما نشسته است، می‌گوید: این فیلمنامه برای مهرباب، فیلمنامه متفاوتی است برای این‌که عادت دارد سریال‌های اپیزودی بنویسد و شخصیت‌های ثابت دارد. داستان مستقل که دنباله‌دار باشد، همیشه برای مهرباب جذاب بوده، اما هیچ‌وقت شرایط این تجربه مهیا نبوده است.

دهقان ادامه می‌دهد: این سریال سه بازیگر ثابت دارد و بقیه تغییر می‌کنند. لوکیشن‌های مختلفی هم دارد و این لوکیشن‌ها در تمام سطح تهران پخش است. داستان دنباله‌داری که در کنارش اتفاقات دیگری می‌افتد، اما هیچ‌گاه آن نخ تسبیح روایت پاره نمی‌شود.

این بازیگر می‌گوید: برای من هم بازی در این سریال جذاب بود. نقش متفاوتی هم دارم. در اینجا نقش دختری را بازی می‌کنم که دزد است و شاید آنقدر مابه‌ازای اجتماعی و واقعی نداشته باشد. لاف‌ل من هیچ‌وقت یک خانواده دزد را از نزدیک ملاقات نکرده‌ام. با توجه به این‌که تم کار اجتماعی و نزدیک به واقعیت روز است، کمی فانتزی هم به دلیل دزد بودن این خانواده به همراه دارد.

قاسمخانی درباره بداهه بازی کردن و دیالوگ گفتن بازیگران می‌گوید: الان کار بر اساس فیلمنامه و وفادار به آن است و این اتفاق در همکاری‌هایی که پیش از این نیز با رامبد جوان و سروش صحت داشته هم نیفتاده است.

\*\*\*

به طبقه بالا می‌روم. در را بسته‌اند که صدای بیرون مزاحم نباشد. صحنه‌ای از سریال فیلمبرداری می‌شود که کنفرانس خبری از یک مربی فوتبال است که مدام بلوف می‌زند و پشت سر هم فلاش دوربین می‌خورد که باید در کار دیده شود. چندبار به خاطر سایه‌ای که در تصویر دیده می‌شود، کات می‌دهند. کنار سعید آقاخانی ایستاده‌ام و او نیز شوخ و شنگ با همه بچه‌ها گپ می‌زند و کارش را انجام می‌دهد.

در اتاقی بهنام تشکر گریم می‌شود و در اتاق دیگری که پر از لباس است، لباس بازیگران را اتو می‌زنند و آماده می‌کنند برای سکانس بعدی.

این خانه انگار با زلزله چندبار تکانده شده و هر چیز جایی افتاده است. مثلاً لباس روی سقف است، تابلو کف زمین و ضبط صوت

گوشه‌ای افتاده است.

با بازیگران به حیاطی می‌رویم که قفس کیوتران آنجاست. بازیگران کنار کارگردان قسمتی را که قرار است فیلمبرداری شود، تمرین می‌کنند.

با هومن برق‌نورد درباره بازی‌اش در این سریال صحبت می‌کنیم. او برادر شقایق دهقان است و نقش خلافت‌کاری به نام داوود را بازی می‌کند که بیشتر دوست دارد خلاف کند تا یک خلافت‌کار واقعی باشد و همیشه خرابکاری می‌کند.

برق‌نورد می‌گوید: زمانی که این کار به من پیشنهاد شد سر کار #171؛ چک برگشتی» بودم و چون با این تیم و تهیه‌کننده‌اش پیش از این #171؛ ساختمان پزشکان» و تله‌فیلمی کار کرده بودم، راحت بودم و کار را پذیرفتم. اما پیش از هرچیز برای من نویسنده مهم است.

برق‌نورد می‌گوید: نویسندگان این سریال هم شناخته‌شده هستند. چهار قسمت از سریال را خواندم و چون سوژه خوبی بود، تصمیم گرفتم این کار را بازی کنم. بیشتر قصه برایم مهم است. اما همه تلاش‌های من این است که نقش‌هایم شبیه هم نباشد. نقشم را خیلی دوست دارم و همکارانم را هم دوست دارم و خیلی با هم رفیقیم.

برق‌نورد ادامه می‌دهد: تمام انرژی خود را گذاشتیم تا کار برای ایام ماه رمضان پخش شود و به این امید بودیم که نشد. این مساله کمی انرژی گروه را گرفت.

بهنام تشکر به ما ملحق شده و از نقشش می‌گوید. آن ضربه کاری سریال به سر بهنام تشکر خورده است و در این سریال طنز، نقشش جدی است. به نظر خودش ممکن است پس از این کار به او نقش‌های جدی هم پیشنهاد شود.

تشکر می‌گوید: ابتدا چند نفر را برای این کار به محسن چگینی پیشنهاد کردم، چون قرار بود #171؛ ساختمان پزشکان» ساخته شود و نمی‌خواستیم در این کار باشیم. اما او معتقد بود خودم این نقش را بازی کنم و ساختمان پزشکان 2 هم معلوم نیست ساخته شود یا نه. این بیشتر کمک کرد تا تصمیم بگیرم و وقتی فیلمنامه را خواندم دیدم نقش خاصی است و جای کار دارد.

این بازیگر ادامه می‌دهد: این کاراکتر لایه لایه است و در ده قسمت اول، یک شخصیت از خود نشان می‌دهد که در ده قسمت بعد فرق می‌کند و در ده قسمت آخر باز هم فرق می‌کند و آدم دیگری می‌شود.

تشکر معتقد است: این کار آنقدر در نوشتن و کارگردانی متفاوت است که در هر ماهی می‌تواند مخاطبان را به خود جذب می‌کند.

او می‌گوید: در این کار بداهه‌گویی نداریم. بخصوص که نقش من جدی است و امکان بداهه وجود ندارد. بعد دست مصطفی تنابنده را می‌گیرد و می‌گوید: این شخصیت رابط ما بازیگران با سعید آقاخانی است و حضورش به ما بسیار انرژی می‌دهد. مصطفی تنابنده، دستیار کارگردان است و دیالوگ‌ها را با بازیگران تمرین می‌کند.

از دیگر بازیگران این سریال عزت‌الله مهرآوران، شهین تسلیمی، خشایار راد، مجید مشیری، رضا کریمی، سوسن پرور، فرهاد حاتمیان، سیروس میمنت و... هستند. طراحی گریم همایون نوذر، صحنه و لباس قاسم ترکاشوند، تدوین خشایار موحدیان و سودابه سعیدنیا، مدیر تصویربرداری امیر معقولی، صدابردار علیرضا نوروزیان، مدیران تدارکات بهرام دانایی و جعفر عبدلی و عکاس بهرنگ دزفولی‌زاده است.

تصویربرداری کار از اوایل اردیبهشت‌ماه آغاز شده است. رضا کریمی، مدیر تولید این سریال می‌گوید: شاید کل نواحی جغرافیایی تهران را نویسندگان این سریال نوشته‌اند و ما هم کار کرده‌ایم. مرکز تهران، جنوب، شمال شرق، شمال غرب، ادارات مختلف، بانک، پیست اسب‌سواری، رستوران و... خیلی پر لوکیشن است و همین‌طور اضافه هم می‌شود. یک زندان داریم که هنوز فیلمبرداری نکرده‌ایم.

\*\*\*

خیلی‌ها از این حیاط به آن حیاط در رفت و آمد هستند. سعید آقاخانی صحبت نمی‌کند. محسن چگینی، تهیه‌کننده سریال دزد و پلیس هم همین‌طور. می‌گوید چیزی برای گفتن ندارد. کار که پخش شد می‌تواند مفصل درباره آن حرف بزند، اما پیش از آن چیزی ندارد که بگوید.

گمانم شور و شوق پخش در این ماه بوده که گروه شبانه روز کار کرده‌اند و کار را به آنجا رسانده‌اند که شب‌های شادی را به مهمانان خدا هدیه دهند، اما حالا باید در نوبت پخشی دیگر بمانند.

\*\*\*

کار گروه حالا حالاها ادامه دارد، اما ساعت 19 است که از خانه بیرون می‌آیم. هنوز چند بچه منتظرند تا شاید بازیگران را گیر بیندازند و امضایی بگیرند. امضا از بازیگرانی که در این روزها که نه، شاید ماه‌های آینده راحت‌تر بر جعبه جادویی‌شان ظاهر شوند و دل و دماغ بیشتری داشته باشند و همه را مهمان ساعتی خنده و شادی بکنند. (جام جم - ضمیمه قاب کوچک)

نگار حسینیخانی